

نفت و مسایل بنیادی آن به مناسبت یک صد سالگی اکتشاف نفت ایران

کرد و در شهر مسجد سلیمان پالایشگاه گاز جدیدی گشایش یافت!
معاون وزیر نفت جمهوری اسلامی به همین مناسبت طی مصاحبه ای درباره میزان ذخایر نفت کشور به خبرنگاران یاد آور شد: "از ۱۳۶ میلیارد بشکه نفت قابل استحصال طی یک صد سال

پنجم خرداد ماه امسال مصادف با یکصدمین سالگرد اکتشاف نفت در جنوب ایران است. پنجم خرداد سال ۱۲۸۷ (۲۶ ماه مه ۱۹۰۸ میلادی) در منطقه نفتون مسجد سلیمان واقع در استان خوزستان نخستین قطرات نفت در جنوب کشور استخراج شد و فصلی نو در تاریخ میهن ما آغاز شد!
به این مناسبت رژیم ولایت فقیه مراسمی برگزار

ادامه در صفحه ۳



شماره ۷۹۲، دوره هشتم
سال بیست و دوم ۱۸ خرداد ۱۳۸۷

بیانیه مطبوعاتی حزب توده ایران و حزب مردم فلسطین در ص ۷
پیام به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ص ۵

علی لاریجانی! گام دیگری به پس

انتخاب علی لاریجانی به سمت رییس مجلس هشتم و پیروزی او در برابر حداد عادل بازتاب گسترده داخلی و خارجی داشت، در داخل کشور تبلیغات هدفمندی او را "مرد بحران"، "دیپلمات ورزیده" و "پدیده ای نوین" در ساختار رژیم ولایت فقیه معرفی می کند، فردی که گویا قرار است با پشتوانه سیاسی کافی و "توان و تجربه مدیریتی"، کشتی جمهوری اسلامی را به ساحل سلامت رسانده و سیاست و عملکرد محمود احمدی نژاد و مدافعان وی را کنترل و مهار سازد!

اینگونه تبلیغات پیرامون شخصیت و مواضع سیاسی علی لاریجانی با شدت و حرارت بسیار جریان دارد. در جریان انتخاب هیئت ریسه مجلس هشتم نیز درست بر محور چنین دیدگاهی، اصلاح طلبان حکومتی که فراکسیون اقلیتی را در مجلس تشکیل می دهند به وی رای دادند که این امر با انتقاد بسیار جدی نیروها و شخصیت های ملی و همه نیروهای دگر اندیش روبرو شد. علی لاریجانی شخص ناشناخته ای نیست. او یکی از مهره های اصلی ارتجاع حاکم محسوب می شود که از حمایت جریاناتی همچون هیئت های موقوفه، بخش هایی از سپاه پاسداران و بنیادهای انگلی و روحانیون وابسته به رژیم ولایت فقیه برخوردار است. او در سال ۱۳۷۱ پس از استعفای خاتمی از وزارت ارشاد در دولت رفسنجانی از سپاه پاسداران به این وزارتخانه منتقل شد و بعد به فاصله اندکی جانشین محمد هاشمی (برادر رفسنجانی) در موسسه بزرگ و تاثیر گذار صدا و سیما جمهوری اسلامی شد.

لاریجانی در این سمت یکی از فعال ترین دشمنان مردم

ادامه در صفحه ۲

ماهی از سرگنده گردونی زدُم ص ۶

مبارزه دلیرانه جنبش دانشجویی با

استبداد حاکم و دشواری های پیش رو

پوشش "بسیج دانشجویی" برخی از دشواری ها و چالش های سنگینی است که جنبش دانشجویی کشور با آن رو به روست. با وجود همه این دشواری ها ما در هفته های اخیر شاهد مبارزه تحسین برانگیز دانشجویان بر ضد سیاست های

جنبش دانشجویی کشور با وجود همه حملات وسیع و خشن نیروهای سرکوب گر به مبارزه دلیرانه خود، برای احقاق حقوق صنفی و همچنین پیکار در راه تحقق خواست های آزادی خواهانه جنبش مردمی و ملی میهن ما، ادامه می دهد.

تهاجم وسیع گرمگان استبداد، دستگیری های گسترده فعالان دانشجویی، به کار گرفتن کمیته های انضباطی برای محروم کردن کارها و فعالان جنبش دانشجویی و اشغال دانشگاه های کشور توسط نیروهای انتظامی و همچنین حضور گسترده چاقو کشان و "انصار ولی فقیه" زیر



ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»

ادامه لاریجانی ...

کاهش در آمد و افزایش هزینه

خانوارهای روستایی



درسالیان اخیر با اجرای برنامه اصلاح ساختار اقتصادی، در کنار تضعیف تولیدات صنعتی و رواج اقتصاد دلالی و غیر مولد، بخش کشاورزی نیز با روند تخریبی گسترده روبرو گردیده. بعلاوه اضمحلال تولید کشاورزی سبب فقر دهقانان و خانواده های آنان شده و سیل مهاجرت به حاشیه شهرهای بزرگ را شتاب بخشیده است.

در این خصوص آخرین آمار انتشار یافته ژرفای سقوط سطح زندگی دهقانان و فروپاشی بخش کشاورزی را ثابت می کند. روزنامه سرمایه اول خرداد ماه گزارشی تحت عنوان "هزینه خانوار روستایی ۳ برابر شد" آخرین آمار در این زمینه را منتشر ساخت. در گزارش مذکور از جمله آمده است: "هزینه خانوار روستایی در ۷ سال گذشته رشد قابل توجهی داشته که بیشترین بخش این رشد طی ۳ سال گذشته یعنی از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ صورت گرفته، هزینه متوسط خانوار روستایی در سال ۱۳۷۹ با تورم ۱۲/۶ درصد، حدود ۱۵۶ هزار تومان بود، در حالیکه هزینه متوسط خانوار روستایی در سال ۱۳۸۵ با تورم ۱۶/۳ درصد، (البته این آمار دولتی و ساختگی تورم از سوی بانک مرکزی است) به ۴۱۵ هزار تومان رسید، در این سال ها با توجه به رشد تورم، کاهش ارزش پول ملی و افزایش هزینه های اصلی، سبب هزینه خانوار روستایی رشد چشمگیری داشته است که، بیشترین آن مربوط به هزینه خوراک، پوشاک، مسکن و حمل و نقل و... است."

در ادامه گزارش آمار افزایش سرسام آور هزینه خوراک برای یک خانوار دهقان ارایه گردیده که عبارت است از، هزینه های خوراکی سالیانه یک خانوار روستایی از ۱۲۷ هزار تومان در سال ۱۳۸۳ به ۱۵۱ هزار تومان در سال ۱۳۸۵ رسید (البته با حذف گوشت و مواد پروتئینی از سبد خوراکی زحمتکش روستا)، هزینه خانوار روستایی فقط در سال ۱۳۸۴ در بخش هزینه خوراک و تغذیه با رشد ۹/۷ درصدی روبرو بود.

سپس با اشاره به هزینه های مسکن و بهداشت خاطر نشان می شود: "هزینه مسکن در خانوار روستایی به نسبت دیگر هزینه ها دچار یک جهش شده است، این هزینه در سال ۱۳۸۳ حدود ۵۱۷ هزار تومان و در سال ۱۳۸۴ حدود ۵۶۷ هزار تومان و در سال ۱۳۸۵ به ۶۲۹ هزار تومان رسیده است. هزینه بهداشت و درمان در سال ۱۳۸۵ حدود ۳۵۸ هزار تومان بود که نشانه رشد آن است."

این آمار در مقایسه با کاهش درآمد خانوارهای روستایی به ویژه در ۲ سال اخیر واردات سیل آسای مواد غذایی از خارج که به ورشکستگی کشاورزی کشور و خانه خرابی دهقانان و کوچ آنها منجر شده، اعتراضی صریح به رشد فقر در روستاها و نابودی زندگی میلیون ها زحمتکش روستایی کشور ماست. رژیم ولایت فقیه با اجرای سیاست مقررات زدایی و تامین امنیت سرمایه برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی عامل اصلی نابودی کشاورزی و فقر و مکنت توده های روستایی میهن ماست!

ایران و جنبش ۲ خرداد بود. تولید و پخش فیلم های "مستند" همچون "کارناوال عاشورا"، "هویت"، "برلین" در مورد کنفرانس برلین و "چراغ" در دوران ریاست وی که شخصا در تدارک آنها دخالت و مشارکت مستقیم داشته، ارزیابی مختصات سیاسی این به اصطلاح "دیپلمات ورزیده" را آشکار و هویدا می سازد. در تمام این مدت وی علاوه بر ریاست بر صدا و سیما، عضو ارشد مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای عالی انقلاب فرهنگی بود. از سال ۱۳۸۳ نیز با حکم ولی فقیه به عنوان نماینده ویژه عضو شورای عالی امنیت شد که پس از چندی به ریاست این شورا که نقش مهم و انکار ناپذیری در تدوین و اجرای سیاست های رژیم دارد انتخاب گردید. به علاوه این مهره شناخته شده ارتجاع حاکم در انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری نامزد این مقام گردید که طبق آمار رسمی حکومتی تنها چیزی قریب یک و نیم میلیون رای به خود اختصاص داد! لاریجانی همزمان با تشدید درگیری در طیف ارتجاع حاکم در یک مانور سیاسی برنامه ریزی شده و دقیق در مهر ماه ۱۳۸۶ ضمن مخالفت با سیاست های احمدی نژاد در خصوص پرونده هسته ای از سمت ریاست شورای عالی امنیت ملی استعفا داد، این حرکتی حساب شده بود که با توجه به تناسب قوا در حاکمیت صورت گرفت و نتیجه آن اشغال کرسی ریاست قوه مقننه و تقویت نقش جناح مشخص و شناخته شده ای در حاکمیت است. لاریجانی همزمان با ریاست بر مجلس هشتم از سوی احمدی نژاد به عنوان عضو ارشد گروه توسعه و عمران شهر قم، انتخاب شده است!

لاریجانی هنگامیکه به عنوان رییس صدا و سیما فعالیت می کرد علاوه بر نقش مخرب بر ضد جنبش مردمی و اصلاح طلبان حکومتی و مجموعه نیروهای دگراندیش و تحول طلب و در کنار تولید و پخش برنامه هایی چون "هویت" و "چراغ"، مبتکر و سازمان دهنده تبلیغاتی بود که بر اساس آن تاریخ و هویت ایرانی انکار و تکذیب می شد و ایران پیش از اسلام "وحشی" و "غیر متمدن" اعلام می شد. در میان رهبران و مسئولان نسل جدید جمهوری اسلامی علی لاریجانی کمترین تعهد را به ایران و هویت ملی دارد و از او به نام شخصی که تعهد ملی ندارد، نام برده می شود.

به هر حال چنین شخصی نه تنها "پدیده ای نو" نیست، بلکه مهره ای شناخته شده و بسیار مرتجع محسوب می شود.

روزنامه کارگزاران، ۱۱ خرداد ماه ۸۷، در یک ارزیابی از مشی سیاسی وی و علت اینکه چرا فراکسیون اصلاح طلبان حکومتی به او رای داد از جمله چنین نوشته است: "لاریجانی به جریانی (راست سنتی) تعلق دارد که اگر چه در دوران مجالس گذشته به جز مجلس پنجم نتوانسته بود از اقبال مردمی برخوردار شود ولی در مجلس هشتم بیشترین سهم را در مجالس اخیر به دست آورده است. او به دلیل عضویت در خانواده مرجعیت از پشتیبانی طبقات روحانی برخوردار است که پیوندی وثیق با تفکر محافظه کارانه راست سنتی دارد ... از همین جاست که می توان لگامی بر نیروی بی مهار دستگاه اجرایی کشور زد، تا روح القوانین که همان تفکیک قواست محقق شود. قدرت با قدرتی هم سنگ مهار شود. اگر در مجلس هشتم چنین دستاوردی محقق شود. بهترین وصف برای رونق گرفتن دموکراسی در کشور پدید آمده است، فراموش نکنیم که سهم مخالفان دموکراسی در شکل گیری آن از سهم موافقان کمتر نیست و لاریجانی (لاریجانی ها) می توانند با مهار زدن بر قدرت دولت سهمی در پیشبرد اصلاحات ایفا کنند."

چنین ارزیابی هایی نتایج فوق العاده زبان بخش دربی خواهد داشت و نیرو و توان ارتجاع حاکم را تقویت خواهد کرد. درست براساس چنین دیدگاه غلط و کاملاً مغایر با خواست های جنبش مردمی است که ناگهان مهره ای چون لاریجانی یک شبه "مرد بحران" و "پدیده نو" می گردد. با این نظرات باید مخالفت کرد و همواره به یاد داشت، لاریجانی و لاریجانی ها دشمنان سوگند خورده عدالت اجتماعی، آزادی، ترقی و استقلال کشور بوده و هستند!!!



برجای می گذارند. چه بسا دولت ایران در آن زمان می توانست به روش های دیگری به جز ملی کردن بیندیشد.

نمونه های چنین دیدگاه ارتجاعی بی در رسانه ها و مراکز علمی کشور فراوان تبلیغ می شود و همانطور که اشاره کردیم هدف این "کارشناسان" و "نظریه پردازان" تبیین چارچوب نظری خصوصی سازی به ویژه خصوصی سازی صنعت ملی نفت ایران است! بر خلاف تبلیغات مدافعان نولیبرالیسم و جهانی شدن، مسئله نفت صرفاً یک بحث ساده حقوقی نبوده و نیست. روزی که زنده یاد دکتر محمد مصدق آرزوی میلیون ها ایرانی را در بهره برداری از ذخایر و صنعت نفت "بنام سعادت ملت ایران و کمک به حفظ صلح جهانی" برآورده ساخت و دست استعمار را از شاه رگ حیاتی کشور قطع کرد، فقط و فقط یک معادله دشوار حقوقی را به سود مردم و آینده ایران حل نکرد بلکه حقوق تضییع شده ایران با ملی کردن صنعت نفت، به دست آمد و برآورده شد!

مدافعان خصوصی سازی صنعت ملی نفت ایران به عمد فراموش می کنند، نفت مسئله سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی سرنوشت سازی در تاریخ کشور ماست. اهمیت مسئله نفت ایران که در همه طول قرن گذشته، تمام مبارزات و منازعات سیاسی و اجتماعی ایران چه در داخل و چه در خارج و چه بین کشورهای امپریالیستی و انحصارات فراملی مستقیماً بر سر موضوع نفت دور می زده است، بنابر این اهمیت مسئله نفت با حقوق، منافع، امنیت و آینده کشور مرتبط بوده و هست! تحقق ملی کردن صنعت نفت و دفاع قاطع از ملی و نه خصوصی شدن آن بطور عمده شامل استقرار مالکیت و حاکمیت ملی خدشه ناپذیر بر ثروت های کشور است. ملی کردن صنایع نفت مسئله ای با حجم وسیع سیاسی-اقتصادی و مرتبط با حق حاکمیت ملی کشور ارزیابی می شود و خصوصی سازی آن نقض آشکار این حق حاکمیت ملی است. اینک صنعت نفت در کشور ما زیر سلطه امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفتی، به صورت صنعتی جدا از اقتصاد ملی رشد و گسترش یافته و این حالت به سود مجموعه اقتصاد ملی نیست، بدان معنا نیست که ملی کردن صنایع نفت خطا بود و اینک باید این خطا بر پایه ابلاغیه اصل ۴۴ تصحیح شود. ابتدا چنین نیست. مشکل اساسی سمت گیری اقتصادی-اجتماعی و برنامه اقتصادی بی است که از سوی رژیم با نسخه های صندوق بین الملل پول و بانک جهانی تدوین و به اجرا درآمده است. دقیقاً این سمت گیری است که باید تصحیح و تغییر یابد.

بنابراین در یکصدمین سالگرد اکتشاف نفت در جنوب ایران همه نیروهای ملی، مترقی و آزادیخواه قاطعانه از اصل ملی شدن صنعت نفت که یک دستاورد عظیم تاریخی است پشتیبانی کرده و مدافع ثابت قدم صنعت ملی نفت ایران هستند!

ادامه نفت و مسایل ...

گذشته، ۶۵ میلیارد بشکه استحصال و استخراج شده است که بیش از ۳۵ درصد از نفت استحصال شده مربوط به ۳۰ سال بعد از انقلاب و بخش عمده آن مربوط به ۱۰ سال گذشته است.

روزنامه اعتماد ملی نیز در سرمقاله ۵ خرداد ماه خود با نام "نفت، نعمت سفید و یا بلای سیاه" با دفاع ضمنی از خصوصی سازی صنعت نفت زیر عنوان "صورت آزادی های اقتصادی" تأکید کرد: "در سال های پس از انقلاب بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار نفت از ایران به فروش رسیده است. آیا داشته های ما با این حجم دلاری مطابقت می کند؟!"

علاوه بر اینها وزیر نفت در سخنانی که خبرگزاری فارس ۳ خرداد ماه آن را انتشار داد گفت: "سده دوم صنعت نفت را با رویکرد نگاه به داخل شروع می کنیم. در سال گذشته حدود ۳ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان خرید داخلی (قطعات مورد نیاز فنی) داشته ایم."

به این ترتیب در یکصد سالگی اکتشاف و استخراج نفت از جنوب کشور که نقش تعیین کننده ای در سرنوشت میهن ما داشته و دارد، عمده ترین و بنیادین ترین مسایل صنعت ملی نفت ایران ناگفته باقی ماند. نکته بسیار پر اهمیت که باید بدان توجه جدی و موشکافانه داشت تبلیغات هدفمند برای خصوصی سازی این صنعت اصلی کشور ماست. یکی از موارد ذکر شده در ابلاغیه اصل ۴۴، همین صنایع نفت و شرکت ها و موسسات پیرامون آن هستند. در این زمینه و به عنوان مقدمه خصوصی سازی صنعت ملی نفت ایران، چندی پیش مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران به خبرنگاران گفته بود: "تمامی شرکت های فرعی شرکت ملی گاز در قالب اصل ۴۴ باید به بخش خصوصی واگذار شوند اخیراً نیز پیشنهاد جدیدی در وزارتخانه مطرح کردیم که با توجه به مشکلات برخی از این شرکت ها که سود ده نیستند کل شرکت گاز به عنوان شرکت مادر سهام آن در بورس عرضه شود که به این ترتیب سهام شرکت مادر و شرکت های زیر مجموعه یک جا واگذار خواهد شد."

درعین حال معاون سازمان خصوصی سازی نیز اعلام داشت: "طبق آخرین وضعیت واگذاری شرکت های اصل ۴۴ در سال جاری مجتمع پتروشیمی تبریز و پالایشگاه اصفهان طی ۳ الی ۴ ماه آینده واگذار خواهند شد."

همراه با این واگذاری ها یعنی خصوصی سازی ها، مدیر عامل شرکت عملیات و اکتشاف نفت ایران در جریان سیزدهمین نمایشگاه بین المللی نفت، گاز و پتروشیمی و در حضور نمایندگان ۵۵۰ شرکت نفتی خارجی با صراحت یادآوری کرد: "فرسودگی چاه های نفتی کشور به گونه ای است که تجهیزات لرزه نگاری، پردازش، آزمایش و پیمایش کنونی پاسخگویی نیاز آن ها نیست و باید این تجهیزات و امکانات به روز شوند ما خواستار سرمایه گذاری شرکت های خارجی و تضمین سود و منافع آنها هستیم." در کنار این اقدامات اجرایی برای خصوصی سازی، کارشناسان هوادار نولیبرالیسم نیز با استفاده از امکانات وسیع حکومتی برای این اقدامات چارچوب نظری و حقوقی اختراع می کنند!

روزنامه اعتماد بخشی از نقطه نظرات یکی از این مدافعان سینه چاک انحصارهای فراملی را در یکصد سالگی اکتشاف نفت منتشر ساخت که در آن با انتقاد صریح از جنبش ملی شدن نفت و ملی کردن صنعت نفت توسط دکتر مصدق گفته می شود: "احتمالاً آثار ملی کردن آن هم در شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوره، اکنون در ضعف حقوق مالکیت در ایران قابل پیگیری و ره جویی است، در کشور ما حقوق مالکیت به آن معنایی که امروزه در جهان مطرح است یعنی حقوق بشر و آن حقوق مالکیتی که امروزه حقوق سوپرناتیو مدرن دنیا به رسمیت شناخته شده است، نداشتیم. حقوق مالکیت هنوز در فرهنگ عمومی ما ایرانیان جا نیفتاده است، بنابراین اقداماتی که منجر به تضعیف خصوصی سازی می شوند، آثار نامطلوبی در فرآیند توسعه



آزادی برای همه دانشجویان در بند!

سال آنها را به مرگ محکوم کنیم؟
این نامه افشاگرانه ماهیت ارتجاعی و قرون وسطایی قوه قضاییه در رژیم ولایت فقیه را آشکار می سازد.

اعدام کودکان، و نوجوانان جنایتی بر ضد حال و آینده کشور ماست!

با افشای ماهیت ارتجاعی قوانین رژیم به ویژه قصاص و اعدام می باید مبارزه ای قاطع را سازمان داد و بر مبنای آن از حق زندگی کودکان دفاع کرد!



زندگی حق کودکان ماست!

طی هفته های گذشته انتشار نامه وکیل مدافع ۲۰ کودک محکوم به اعدام در جمهوری اسلامی خطاب به رییس قوه قضاییه بازتاب وسیعی در جامعه یافت و همدردی و همبستگی بزرگ و قابل ستایش را برانگیخت! این نامه که در آن خواست توقف احکام غیر انسانی اعدام برای کودکان طرح شده، رییس قوه قضاییه و بطور کلی دستگاه قضایی به پایبندی و احترام به اصول انسانی و رعایت کنوانسیون حقوق کودک فراخوانده می شوند. در بخشی از نامه این وکیل شجاع آمده است: "برحسب وظیفه به عنوان... وکیل مدافع بیست نفر از اطفالی که در زمان بازداشت به اتهام ارتکاب قتل عمد، سنشان کمتر از ۱۸ سال بوده و به مجازات قصاص نفس (اعلام) محکوم شده اند، بدینوسیله مراتب اعتراضی و نگرانی خود را از نقض قانون در رسیدگی به جرایم اطفال اعلام می نمایم و از جنابعالی تقاضا دارم در راستای پایبندی به اجرای قانون، دستور توقف صدور و اجرای اعدام به عنوان مجازات برای جرایم ارتكابی توسط اطفال زیر ۱۸ سال را صادر فرمایید."

سپس در ادامه این نامه با اشاره به اینکه هم اکنون حدود ۱۰۰ نفر در زندان بسر می برند که سنشان در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال بوده و با صدور احکام قصاص (مانند قطع عضو، پرتاب از بلندی و جزاینها) و اعدام روز و شب را در بدترین وضعیت می گذرانند، درخواست می شود: "ایران در سال ۱۳۷۲ کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته و در سال ۱۳۵۴ به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی پیوسته است، در هر دو سند بین المللی به صراحت، دولت ها از اعمال مجازات مرگ برای اطفال که در زمان ارتکاب جرم سنشان کمتر از ۱۸ سال بوده منع شده اند... لیکن متأسفانه قضات دادگستری از اعمال و اجرای این ماده قانونی و به تبع آن اجتناب از صدور حکم به سلب حیات از اطفال خودداری می ورزند... این اطفال در حقیقت قربانیان جامعه می باشند. آیا انصاف است در جایی که بیش از ۱۸۵ کشور دنیا مجازات مرگ را برای اطفال زیر ۱۸ سال از قوانین شان برداشته اند، ما با داشتن قانون و تعهدات بین المللی، مبنی بر منع مجازات اعدام برای اطفال زیر ۱۸

پیگرد و بازداشت اقلیتهای مذهبی کشور

رژیم واپس مانده ولایت فقیه از ابتدای سال جاری بر دامنه و ابعاد سیاست تبعیض آمیز خود در قبال بخشی از هم میهنان ما به نحوی چشمگیر افزوده است. اقلیت های مذهبی آماج این سیاست تبعیض آمیز و سرکوبگرانه قرار دارند. در این رابطه جامعه بهایی ایران به عنوان بخشی از اقلیت های مذهبی کشور با موج جدیدی از دستگیری و بازداشت و اعمال فشار و اتهامات ناروا و دروغین مواجه شده است. در اواخر اردیبهشت ماه امسال نیروهای امنیتی رژیم به خانه های گروهی از اعضای جامعه بهایی که صرفاً فعالیت علنی مذهبی در محدوده اعتقادات هم کیشان خود داشتند

پورش برده و ۶ تن را بازداشت و روانه زندان ساختند. مسئولان رژیم ابتدا از تایید خبر دستگیری ها شانه خالی کرده و منکر این اقدام وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه پاسداران می شدند ولی پس از گذشت چند روز، غلامحسین الهام سخنگوی دولت احمدی نژاد، با تایید خبر دستگیری اعضای جامعه بهایی اعلام داشت که این افراد نه به دلیل عقیده، بلکه به اتهام سیاسی و امنیتی بازداشت شده اند. تاکنون محتوی این اتهام سیاسی و امنیتی از سوی هیچ یک از مراجع ذی صلاح قضایی رسماً مشخص نگردیده است.

اعمال فشار علیه اقلیت های مذهبی به ویژه هم میهنان بهایی نه تنها علت امنیتی ندارد، بلکه ناشی از دیدگاه های واپس گرایانه ارتجاع حاکم و محافل و جریانات وابسته به انجمن حجتیه و نظایر آن است. نادیده انگاشتن و پایمال کردن حقوق شناخته شده دمکراتیک فردی و اجتماعی اقلیت های مذهبی آن هم به دلیل نگرش های واپس مانده مذهبی از سوی همه نیروها و شخصیت های ملی و آزادی خواه کشور محکوم و مطرود است.

حزب توده ایران ضمن محکوم ساختن اعمال فشار و دستگیری اعضای جامعه بهایی ایران خواستار آزادی فوری دستگیر شدگان و تامین و تضمین حقوق اقلیت بهایی کشور است. ما سرکوب جامعه بهایی را بخشی از سرکوب سراسری مردم ایران تلقی کرده و آن را به شدت محکوم می کنیم!

روش جدید در عقد قراردادهای موقت

طی ماه های گذشته روش جدیدی در عقد قرارداد با کارگران و کارمندان توسط برخی کارفرمایان و شرکت ها ابداع شده که معنای آن بی حقوقی مطلق زحمتکشانشان است. این روش جدید با حمایت و تشویق وزارت کار و امور اجتماعی دولت احمدی نژاد همراه است.

روزنامه سرمایه و دنیای اقتصاد در گزارش های خود پیرامون این موضوع می نویسند، یکی از آخرین نمونه ها، دادن آگهی استخدام در روزنامه ها و سپس انتخاب به ظاهر ۱ یا ۲ نفر از افراد مراجعه کننده و استفاده از آنها برای حداقل ۳ هفته است که پس از آن با فرد یا افراد کاملاً قطع رابطه کاری شده و اصلاً هیچ حقوقی به آنان تعلق نگرفته و با حمایت وزارت کار به صندوق بیمه بیکاری معرفی می شوند. در این مورد اصولاً هیچ قراردادی به امضا نمی رسد و فرد یا افراد صرفاً به صورت شفاهی بدون ذکر مدت زمان، بکارگرفته می شوند.

همین افراد سپس از طریق صندوق بیمه بیکاری به دیگر کارفرمایان و شرکت ها برای انجام کار موقت بین شش ماه تا یکسال معرفی می شوند و به این ترتیب، با توجه به برنامه وزارت کار در طی

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

مدت فعالیت کارفرمایان فقط ۳۰ درصد دستمزد را به آنها پرداخت می کنند و بقیه یعنی ۷۰ درصد به مرور از سوی صندوق بیمه بیکاری و یا سازمان تامین اجتماعی پرداخت می گردد. این روش جدید که از ابتکارات وزارت کار دولت ضد مردمی احمدی نژاد است، نیروی کار ارزان و مطیع را برای کارفرمایان فراهم ساخته و در عین حال تمرینی است برای ایجاد نیروی کار بسیار ارزان در خدمت انحصارات فراملی که قرار است پس از مقررات زدایی و تامین امنیت سرمایه در ایران سرمایه گذاری کرده و فعالیت کنند!

به علاوه در سال های اخیر روش دیگری در شرکت ها و مراکز تولیدی و خدماتی رواج یافته که به سیاست دو لیستی مشهور است، به عبارت دقیق تر شرکت ها و شرکت های پیمانکاری برای دستمزد و مزایای کارکنان خود اعم از کارگرو کارمند دارای ۲ لیست هستند که در یکی ارقام واقعی حقوق پرسنل درج شده و در دیگری ارقام ساختگی و دروغین گنجانده شده که لیست دوم یعنی ساختگی به سازمان تامین اجتماعی و دیگر دوایر ذی ربط ارسال می شود و مبنای حقوق، مالیات و بازنشستگی پرسنل قرار می گیرد. کارکنان این گونه شرکت ها و مراکز تولیدی و خدماتی به دلیل وضعیت نامناسب بازار کار، صف طولی بیکاران، نبود سندیکاهای مستقل حامی منافع مزدبگیران، تفرقه و پراکندگی درصوف نیروی کار، در هراس از بیکار شدن، هیچگونه اعتراضی به این رفتار یعنی ارایه لیست ساختگی و دروغ نمی کنند و در نتیجه هم حق خودشان و هم اعتبار سازمان تامین اجتماعی پایمال و مخدوش می گردد. از نکات بسیار مهم این سیاست (دو لیستی بودن حقوق و مزایای کارکنان) این است که برخلاف قانون کار فعلی کارفرمایان با گستاخی و در سایه حمایت دولت حق بیمه پرسنل را از حقوق ماهیانه آنها کسر می کنند و به این ترتیب سهم بیمه کارفرما هم توسط کارکنان پرداخت می گردد. وزارت کار و امور اجتماعی و شخص محمد جهرمی با صراحت تمام از این روش ها حمایت کرده و به تقویت همه جانبه چنین شرکت ها و کارفرمایان می پردازند.

هشدار پزشکان: سل کودکان ایرانی را تهدید می کند

رسانه های همگانی از تدارک برپایی نوزدهمین همایش جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران در اواسط ماه جاری (خرداد) گزارشات مختلفی را منتشر ساختند. رییس این همایش به مناسبت برپایی آن که با حضور پزشکان، متخصصان و پژوهشگران ایرانی تشکیل خواهد شد، با برشمردن اهداف همایش از قول پزشکان متخصص داخلی کشور اعلام داشت: "براساس پژوهش های انجام گرفته بیماری سل کودکان را تهدید می کند و مهم ترین گام در درمان سل کودکان تشخیص صحیح و سریع این بیماری است، بررسی های نشان می دهد در کشور ۶۸/۳ درصد کودکان مبتلا به سل در گروه سنی ۱۱ تا ۱۷ سال قرار دارند، ۶۰ درصد این بیماران پسران و ۴۰ درصد را دختران تشکیل داده اند، با توجه به آمادگی کودکان برای مبتلا شدن به سل و تشخیص ندادن به موقع آن که سبب مقاوم شدن بیماری به درمان در سنین بالا و ایجاد عوارض می شود، ضروری است، درجهت تشخیص و درمان به موقع کودکان مبتلا به سل اقدامات پیشگیرانه و در صورت ابتدا اقدامات عاجل درمانی انجام داد."

رییس نوزدهمین همایش جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران در ادامه با انتقاد از کمبود بودجه دروزارت بهداشت برای مقابله با بیماری سل و دیگر بیماری های و بی توجهی ارگان های دولتی به پیامدهای اینگونه امراض با صراحت تاکید کرد: "محرور شدن کودکان از بازی و تفریح، تحصیل و داشتن یک زندگی سالم، در کنار هزینه های زیاد و بالای درمان و عوارض مربوط به آن از مشکلات اساسی است در صورت بی توجهی به امر پیشگیری از ابتلا به سل کودکان ایرانی، در آینده با فاجعه روبرو خواهیم بود."

وی بزرگترین مشکل را در تخمین سل کودکان، نبود امکان دستیابی به نمونه مثبت میکروب سل برشمرد و از ناکافی بودن بودجه و عدم تخصیص اعتبارات مالی برای پیشگیری و درمان بیماری سل ابراز ناامیدی کرده و نسبت به پیامدهای اجتماعی آن هشدار داد.

نبود امکانات مالی و اعتبارات ضرور برای تضمین سلامت و بهداشت جامعه به ویژه پیشگیری و درمان بیماری سل که به گفته متخصصان متعهد کشور زندگی کودکان ایرانی را تهدید می کند در شرایطی است که طی ۲ سال اخیر درآمد کشور از فروش نفت سر به میلیاردها دلار می زند.

ارتجاع حاکم با وجود چنین درآمدهای هنگفتی از اجرای وظایف بدهی خود درقبال جامعه که تضمین سلامت و بهداشت و درمان از آن جمله است سر باز می زند و به جای آن تمام نیرو و امکانات خود را وقف تقویت کلان سرمایه داران و تجار غارتگر ساخته است. آیا می توان چنین حکومتی را در برابر سرنوشت حال و آینده کشور، مسئول و متعهد دانست؟!

ادامه ماهی از سر کنده ...

میلیاردها دلار از محل عدم پرداخت عوارض به دولت را بالا کشیدند، واردات خودروی دوو بود. یک سوم جزیره کیش، پارک جنگلی در شمال را هم باید از دیگر مفاسد اقتصادی خانواده هاشمی دانست.

افشاری های پالیز دار برای مردم ما که روابط عمیقاً مافیایی و فاسد سران رژیم و "آقازاده ها" و وابستگان آنان را با پوست و گوشت خود احساس کرده اند امر تازه ای نیست تنها تأیید دیگری است بر این مثل شیرین فارسی که "ماهی از سر کنده گردد نی ز دم". فساد بخش جدا ناپذیری از حیات رژیم ضد مردمی "ولایت فقیه" است که همه سران آن در آن نقش اساسی دارند.

به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

پکن
جمهوری خلق چین

رفقای گرامی

با تاسف و نگرانی اخبار زمین لرزه مخرب و رویدادهای مرتبط با آن در کشورتان را، که به مرگ ده ها هزار تن، آسیب های جانی و آوارگی میلیون ها تن در ایالت سیچوان منجر شد، از طریق رسانه های عمومی دنبال کرده ایم.

ما بدین وسیله تسلیت های صمیمانه خود را از طریق شما به همه مردم چین ابراز می داریم و همزمان مراتب تحسین خود را از مردم استان های صدمه دیده، و ده ها هزار تن مردمی که به یاری آن ها آمدند، به خاطر پایداری و استقامت شان در روبرویی با چنین شرایط دشواری ابراز می داریم.

ما خرسندیم که مردم و دولت جمهوری خلق چین بر پایه مزیت های ذاتی سیستم سیاسی حاکم بر کشور قادر بوده اند در مواجهه با چالش های عظیم روز های پس از این فاجعه طبیعی در رابطه با امداد های انسانی، باز اسکان صدها هزار شهروند مناطق آسیب دیده و اعاده شرایط انسانی زندگی برای آنان موفق باشند. امری که تحسین افکار عمومی و سازمان های بین المللی را برانگیخته است.

ما هم چنین تمایل داریم که مراتب همبستگی خود را با مردم چین و نمایندگانشان در حزب برادر، حزب کمونیست چین، در این لحظات دشوار مورد تاکید قرار دهیم.

با درود های رفیقانه
کمیته مرکزی حزب توده ایران
خرداد ماه ۱۳۸۷

ماهی از سر گنده گرده نی ز دم

فساد گسترده رژیم ولایت فقیه مسئله تازه ای نیست. در سال های اخیر سندهای گوناگونی درباره غارت منابع ملی میهن ما توسط سران رژیم و وابستگان آنها انتشار یافته است که به خودی خود گویاست. در هفته های اخیر خبرگزاری ها متن سخنرانی شخصی به نام عباس پالیز دار، که گویا "دبیر کمیته تحقیق و تفحص قوه قضائیه" است، در جمع دانشجویان همدان دست به افشاکری های جالبی زده است که با اعتراض شدید رسانه های وابسته به رژیم رو به رو شد. پایگاه خبری "شهاب نیوز" وابسته به رژیم در ضمن بازتاب این خبر از جمله نوشت: "در حالی که هنوز یک سال تا انتخابات ریاست جمهوری باقی مانده و حتی مذاکرات اولیه نیز برای تعیین کاندیدای اصلی اصولگرایان، اصلاح طلبان و طیف میانه آغاز نشده؛ تخرکات غیراخلاقی و غیرقانونی یک اقلیت تندرو برای تخریب چهره های شناخته شده به ویژه چهره های مشهور منتقد دولت وارد فاز جدی خود شده است... ظرف یک هفته اخیر نوار ویدیویی سخنرانی فردی به نام "ع.ب." در دانشگاه بوعلی سینای همدان در مقیاس وسیع برای تمام سایت های اینترنتی داخلی و خارجی ارسال شده که مناسفانه با استقبال فراوان سایت های خارج کشور و برخی سایت های داخلی که از پیچیدگی های سیاست در ایران آگاه نیستند روبرو شده است. فرد مزبور که یکی از اعضای رایحه خوش خدمت است و مدتی با هیات تحقیق و تفحص مجلس از قوه قضائیه همکاری می کرده؛ در این سخنرانی خود را دبیر کمیته تحقیق و تفحص مجلس از قوه قضائیه مستقر در سازمان بازرسی کل کشور معرفی کرده است.

و اما دلیل عصیانیت "شهاب نیوز" در مورد این افشاکری این است که در این سخنرانی پرده از روی غارت اموال عمومی توسط شماری از رهبران درجه اول رژیم ولایت فقیه و برگماردگان علی خامنه ای برداشته می شود. برخی نکات قابل توجه این افشاکری

● امامی کاشانی و تصاحب معدن سنگ دهیید فارس: "یکی از آقایان علما آمد گفت یک پسر معلول جسمی دارم و می خواهم یک موسسه توانبخشی بسازم که پسر هم زیر نظر خودم باشد. ما هم موسسه را ثبت کردیم. بعد آمد گفت که اقا من ساپورت مالی می خواهم فلان معدن سنگ دهیید فارس را که بهترین معدن سنگ دنیاست به من بدهید. بعد از چند وقت گفت کم است معدن دیگری در زنگان را هم به من واگذار کنید..."

● بزدی (رئیس سابقه قوه قضائیه) و غارت کارخانه لاستیک سازی دنا: "آیت الله آمدند نزد مقام رهبری گفتند که می خواهیم یک دانشگاه قضایی بسازیم برای خواهران در قم. مجوز داده شد. بلافاصله بعد از مجوز رفتند سراغ ساپورت مالی که بله کارخانه لاستیک دنا را مجوزش را بدهید. آقای نعمت زاده هم گفت کارخانه را در ازای ۱۲۶ میلیارد به شما واگذار می کنیم. در حالی که قیمت واقعی آن ۶۰۰ میلیارد بود... بالاخره قیمت را از ۶۰۰ میلیارد واقعی به ۱۰ میلیارد رساندند.

● قضات وابسته به رژیم، ناطق نوری و غارت کارخانه ایران خودرو: "کارخانه ایران خودرو بدون هیچ ضابطه ای به قضات قوه قضائیه ماشین پرشیا به نصف قیمت داد و بقیه اش را هم به اقساط که خیلی که ماشین به نامشان شد این قسط را هم نپرداختند. اما همین بذل و بخشش باعث شد صدای خیلی ها در بیاید. مثلاً یکباره بنیادی به نام بنیاد نهج البلاغه آمد گفت که اقا ما هم ۵۰۰ تا ماشین با این تسهیلات می خواهیم. حالا فکر می کنید چه کسانی هستند اعضای این بنیاد نهج البلاغه. آقای علی اکبر ناطق نوری. رفیق دوست. عسگر اولادی. حسین دین پرور. معزی..."

● مصباح بزدی سلطان شکر: "در مورد سلطان شکر و مافیای شکر باید بگویم که آنها حاضر بودند ۷۰۰ میلیارد بدهند که پرونده را از زیر ضرب بیرون ببرند. در مافیای شکر "مدل" کارگزار و داماد یکی از علمای اعلام (آیت الله مصباح بزدی و یا مکارم شیرازی) است"

● واعظ طیبی و غارت خراسان: "دوازده معدن بزرگ در خراسان متعلق به آیت الله واعظ طیبی است و پرونده المکاسب هم که مربوط به آقازاده واعظ طیبی است."

● خانواده هاشمی: "آن قدر مفاسد اقتصادی این خانواده زیاد است که اصلاً قابل گفتن نیست. اما یکی از مفاسد اقتصادی این خانواده که

ادامه مبارزه دلیرانه جنبش دانشجویی ...

ارتجاعی - انتظامی حاکم بر دانشگاه های بوده ایم. پس از نه روز تحصن و اعتصاب غذای دانشجویان دانشگاه تربیت معلم، انجمن های دانشجویی ۴۰ دانشگاه کشور در همبستگی با این اقدام شجاعانه دانشجویان تربیت معلم اعلامیه ای صادر کردند که در آن از جمله آمده است: "وزارت علوم دولت نهم برای بستن کامل فضای سیاسی-اجتماعی دانشگاهها درصدد بود با دادن امکانات صنفی-رفاهی به دانشگاهها حجم انتقادات و اعتراضات دانشجویی را کاهش دهد. ولیکن بعد از گذشت ۳ سال از عملکرد ضعیف این وزارت خانه شاهد هستیم که بی کفایتی مدیران و روسای انتصابی دانشگاهها کار را به جایی رسانده است که عملکرد نابخردانه و ظالمانه ایشان نه تنها از اعتراض فعالین دانشجویی سیاسی و اجتماعی منتقد نکاسته، بلکه ضعف مدیریت سبب شده است که کمبود های صنفی نیز مورد مطالبه دانشجویان قرار گیرد." اعلامیه در ادامه ضمن اشاره به تلاش های رژیم برای پرونده سازی و سرکوب جنبش دانشجویی کشور در دوران دولت ضد مردمی احمدی نژاد اضافه می کند: "علی رغم تمامی فشارهای وارده از سوی مسئولین و نیروهای امنیتی که از جمله آن ها می توان به تهدید و ارباب خانواده ی دانشجویان متحصن و صدور حکم تعلیق از تحصیل برای این دانشجویان، قطع کردن آب دانشگاه، قطع شدن اینترنت دانشگاه، زندانی کردن دانشجویان در محل تحصن، افزودن پی در پی نیروهای ناشناس در لباس حراست، ممانعت از بردن دانشجویانی که از لحاظ جسمانی بسیار تضعیف شده اند به بیمارستان و ایجاد شورای تقلبی به کمک تشکلهای شبه نظامی و وابسته در دانشگاه اشاره کرد، دانشجویان شجاع و حق طلب دانشگاه تربیت معلم با عزمی راسخ و مقاومتی بی نظیر خواستار استیفای حق مسلم خود در برخورداری از شرایط مطلوب زندگی می باشند."

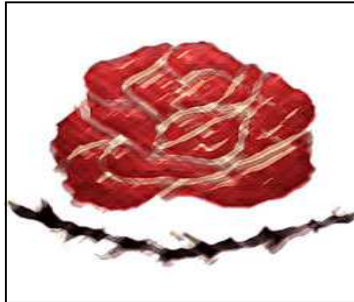
چهل انجمن دانشجویی کشور اعلام کردند که در صورت ادامه سیاست های فشار و بی توجهی به خواست های دانشجویان دانشگاه تربیت معلم دامنه اعتراض های دانشجویی را به دانشگاه های دیگر کشور خواهند کشید. جنبش دانشجویی کشور در دهه اخیر آزمون های دشواری را از سر گذرانده و نقش مهم و تعیین کننده بی را در تحولات سیاسی کشور، به نفع جنبش مردمی ایفاء کرده است. حوادث روزهای اخیر در دانشگاه های کشور در حالی رخ می دهد که جنبش دانشجویی به استقبال نهمین سالگرد ۱۸ تیر، یعنی سالگرد قیام قهرمانانه دانشجویان دانشگاه های کشور در مقابله با تهاجم وحشیانه مزدوران می رود. نه سال پس از سرکوب خونین جنبش دانشجویی توسط مرتجعان حاکم، سطح کنونی مبارزه سیاسی-صنفی جنبش دانشجویی کشور نمونه آشکار شکست سیاست های دستگاه های امنیتی کشور برای درهم کوبیدن جنبش دانشجویی کشور است. مبارزه سازمان یافته صنفی بر ضد سیاست های ارتجاعی دولت احمدی نژاد بخش جدا ناپذیری از مبارزات و مطالبات عمومی جنبش ملی بر ضد استبداد حاکم است و از این رو حمایت از این مبارزات صنفی از اهمیت جدی برخوردار است. ابتکار جالب ۴۰ انجمن دانشجویی کشور در حمایت از مبارزات دانشجویان تربیت معلم و گسترش این مبارزه صنفی به دیگر دانشگاه های کشور، که همگی با دشواری ها و کمبود های مشابهی رو به رو هستند، در شرایط کنونی می تواند به رشد و تحکیم مبارزات دیگر نیروهای اجتماعی نیز یاری رساند.

"اتحاد، مبارزه، پیروزی"، شعار فنا ناشدنی جنبش دانشجویی در پنج دهه اخیر بوده است و درک اهمیت و به کاری گیری این شعار در شرایط دشوار و حساس کنونی از اهم وظایف فعالان و کادرهای جنبش دانشجویی کشور است. بدون همبستگی محکم و خلل ناپذیر نمی توان رژیم ارتجاعی را به عقب نشینی وادار کرد و زمینه تحقق خواست های صنفی و سیاسی جنبش دانشجویی کشور را فراهم کرد. نیروهای آزادی خواه و ملی و دیگر گردان های اجتماعی نیز باید با تمام توان از این مبارزات دلیرانه جنبش دانشجویی کشور حمایت کنند.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

بیانیه مطبوعاتی درباره نشست حزب مردم فلسطین و

حزب توده ایران



در خرداد ماه ۱۳۷۸ (هفته سوم ماه مه) نمایندگان کمیته مرکزی حزب توده ایران با رفیق حنا عمیره، عضو هیئت سیاسی حزب مردم فلسطین ملاقات و گفتگو کردند. این نشست در چارچوب روابط برادرانه دوجانبه میان دو حزب ترتیب داده شده بود، و در آن پیرامون مسایل مهم خاورمیانه بحث و گفتگو شد. نمایندگان دو حزب در مورد تحولات این منطقه و به ویژه آنچه در سرزمین‌های فلسطینی، لبنان، عراق و ایران می‌گذرد گفتگو کردند و درباره راه‌های همیاری و همکاری نیروهای مترقی برای به راه انداختن و پیشبرد کارزاری پرتوان در راه صلح، دموکراسی و پیشرفت در این منطقه تبادل نظر کردند. نمایندگان دو حزب در گفتگوهای شان در ارتباط با مسئله فلسطین، به بررسی و تحلیل پیامدهای محاصره اقتصادی تحمیل شده بر سرزمین‌های فلسطینی و به ویژه در نوار غزه، و نیز تأثیر ویرانگر شیوه‌های نظامی به کار گرفته شده از سوی دولت اسرائیل بر ضد مردم فلسطین پرداختند. نمایندگان دو حزب همچنین درباره رکود فرایند صلح به دلیل سیاست‌های توسعه‌طلبانه، تجاوزگری نظامی، دیوار سازی و محاصره مناطق فلسطینی توسط اسرائیل بحث و گفتگو کردند. هر دو حزب بر اهمیت اتحاد فلسطینیان و ضرورت برداشتن گام‌های مناسب در راه تحکیم جبهه داخلی و پایان دادن به استیلاهای نظامی حماس در غزه تأکید داشتند. هر دو حزب بر لزوم گفتگوهای ملی و تشکیل یک دولت موقت فلسطینی که بتواند انتخابات ریاست جمهوری و مجلس را هر چه زودتر برگزار کند، تأکید کردند. هر دو حزب طرز برخورد آمریکا و چشم‌پوشی آن کشور بر ماهیت خشن اشغال‌گری اسرائیل، و در واقع تشویق اسرائیل به ادامه سیاست‌های غیرانسانی‌اش را محکوم کردند. مرکزیت دادن به خواسته‌های مردم فلسطین در زمینه خروج فوری، بدون قید و شرط، و کامل ارتش اسرائیل از سرزمین‌های اشغال شده فلسطینی، برقراری یک دولت مستقل فلسطینی در نوار غزه و کرانه غربی در کنار دولت اسرائیل، و نیز حل کردن مسئله پناهندگان مطابق با قطعنامه ۱۹۴ سازمان ملل متحد را مورد تأکید نمایندگان هر دو حزب قرار گرفت. نمایندگان دو حزب برادر همچنین درباره شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر ایران، تأثیر تهدیدهای آمریکا و اسرائیل بر ضد این کشور، و نیز پیامدهای فاجعه بار اتخاذ شیوه‌های غیر دموکراتیک در مقابله با تهدیدهای خارجی، در ارتباط با بهبود وضعیت زندگی مردم، برای حل کردن معضلات و دشواری‌های داخلی و در برخورد با چالش‌های گوناگون، بحث و گفتگو کردند. نمایندگان دو حزب بر اهمیت حیاتی کارزار و مبارزه در راه صلح، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی در ایران، و نیز بر اهمیت و ضرورت مبرم تشکیل یک جبهه متحد از همه نیروهای معتقد و متعهد به حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران تأکید کردند. دو حزب مخالفت کامل و بدون قید و شرط خود با هرگونه مداخله خارجی یا ماجراجویی نظامی توسط آمریکا، اسرائیل یا هر کشور دیگری را بر ضد هر کدام از کشورهای این منطقه ابراز داشتند. نمایندگان دو حزب تأکید کردند که هرگونه مناقشه و اختلافی باید از راه گفتگوهای دیپلماتیک و بر پایه منشور سازمان ملل متحد و قوانین بین‌المللی حل و فصل شود. نمایندگان حزب مردم فلسطین و حزب توده ایران بر اهمیت کارزار در راه صلح، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی در خاورمیانه تأکید و اعلام کردند که بر اثر سیاست‌های امپریالیسم جهانی و به ویژه سیاست‌های تجاوزکارانه آمریکا بر ضد مردم خاورمیانه، مردم این منطقه متحمل رنج‌های زیادی شده‌اند. دو حزب بر ضرورت راه‌اندازی یک کارزار توده‌ای بین‌المللی به منظور رفع محاصره غزه و بسیج کردن یک کارزار همگانی جهانی با هدف از میان برچیدن شهرک‌های یهودی نشین در مناطق اشغالی، از راه تحت فشار قرار دادن کشورهای جهان و به ویژه کشورهای اتحادیه اروپا برای تحریم فرآورده‌های این شهرک‌ها تأکید کردند. نمایندگان حزب مردم فلسطین و حزب توده ایران این نشست و دیدار دوجانبه را موفقیت‌آمیز خواندند و خواستار گسترش روابط دوجانبه‌شان از طریق نشست‌های مرتب و منظم، و تبادل نظر و مشورت درباره موضوع‌های مورد علاقه طرفین شدند.

۲۳ مه ۲۰۰۸ (۳ خرداد ۱۳۸۷)

ادامه ریا کاری امپراتور ...

— مصوب ۱۹۰۳ سنای آمریکا که به آمریکا اجازه مداخله در امور داخلی کوبا را می‌داد — و استعمار اقتصادی تحمیل شده بر کوبا نبود، شاید انقلاب مسلحانه در کشور ما ضرورت پیدا نمی‌کرد. انقلاب پیامد سلطه‌گری امپریالیسم بود. نمی‌توان ما را متهم کرد که آن را به کشور تحمیل کردیم.

دگرگونی‌های واقعی را می‌توان و باید در خود آمریکا پدید آورد. بیشتر از یک قرن پیش، کارگران خود این کشور خواستار هشت ساعت کار روزانه شدند که ناشی از تکامل نیروهای مولده بود. اوباما پیش از آن که درباره کشور ما قضاوت کند، باید بداند که به رغم محاصره اقتصادی و مالی و تجاوز کشور قدرتمند او، کوبا با برنامه‌های آموزشی، بهداشتی و درمانی، ورزشی، فرهنگی و علمی‌ای که نه فقط در سرزمین خودش بلکه در دیگر کشورهای فقیر سراسر دنیا به اجرا در آورده است، و با خون‌هایی که در راه همستگی با خلق‌های دیگر تقدیم کرده است، گواه آن است که با دست‌مایه‌ای اندک، می‌شود کارهای زیادی کرد. حتی نزدیک‌ترین متحد ما، اتحاد شوروی، هم نتوانست به آنچه ما داریم دست یابد.

تنها شکل همکاری آمریکا با ملت‌های دیگر فرستادن کارشناسان نظامی به آن کشورهاست. چیز دیگری برای عرضه ندارد چرا که به اندازه کافی اشخاصی در آن نیستند که مایل باشند خود را برای دیگران فدا کنند و کمک قابل توجهی به یک کشور نیازمند بکنند — اگرچه باید بگویم که کوبا از همکاری پزشکان ممتاز آمریکایی برخوردار بوده است. البته نباید مردم را مقصر دانست، چرا که جامعه در مقیاس وسیع چنین ارزش‌هایی را به آنها یاد نمی‌دهد.

ما هرگز همکاری با کشورهای دیگر را فدای مصالح ایدئولوژیکی نکرده‌ایم. وقتی توفان کاترینا شهر نیوآرلئان را در هم کوبید ما آمادگی خود را برای کمک به آمریکا اعلام کردیم. گردان بین‌المللی پزشکی ما نام شایسته هنری ریو (Henry Reeve) را بر خود دارد که جوانی آمریکایی بود که در راه استقلال کوبا رزمید و در نخستین جنگ استقلال ما جان خود را از دست داد. انقلاب ما می‌تواند ده‌ها هزار دکتر و کاردان فنی بهداشتی را بسیج کند. به همان ترتیب، می‌تواند شمار بزرگی از آموزگاران و شهروندانی را بسیج کند که حاضرند برای هر امر مفید و خیری — نه برای غصب حقوق مردم یا تصرف مواد خام — به هر گوشه‌ای از دنیا سفر کنند. اراده و حسن نیت مردم خمیر مایه ذخایر بی‌پایانی است که نمی‌شود آنها را در گاوصندوق بانک‌ها جا داد و نگه داشت. چنین خصلت‌هایی نمی‌توانند از سیاست‌های ریاکارانه یک امپراتوری سرچشمه بگیرند.

این مطلب تلخیص و ویرایش شده متنی است که در روزنامه کوبایی گرانما به چاپ رسیده است.

جمعه ۳۰ مه ۲۰۰۸ (۱۰ خرداد ۸۷)



ریاکاری امپراتوری

اظهار نظر فیدل کاسترو درباره این که چرا باراک اوباما باید از سیاست‌های ضد کوبایی ایالات متحد آمریکا فاصله بگیرد

عالی از جهانی‌سازی امپریالیستی - جهانی شدن شکم‌های خالی! باید به خاطر این توصیف از او ممنون باشیم. اما ۲۰۰ سال پیش، سیمون بولیوار در راه اتحاد آمریکای لاتین رزمید، و بیشتر از ۱۰۰ سال پیش، خوزه مارتی جانس را در راه مبارزه علیه ضمیمه‌سازی کوبا به آمریکا از دست داد. چه تفاوتی است میان دکترین شرم‌آور پرزیدنت جیمز مونرو مبنی بر این که آمریکا باید کنترل مطلق بر آمریکای لاتین را داشته باشد، و آنچه اوباما دو قرن بعد دوباره در سخنانش مطرح می‌کند و اظهار می‌دارد؟

او در اواخر صحبت‌هایش گفت: «من نماینده ویژه‌ای را برای قاره آمریکا در کاخ سفید برمی‌گمارم که از حمایت کامل من برخوردار خواهد بود. اما خدمات خارجی را هم گسترش خواهیم داد و کنسول‌گری‌های بیشتری در مناطقی از قاره آمریکا باز خواهیم کرد که به آنها بی‌توجهی شده است. «سپاه صلح» را توسعه خواهیم داد و از شمار بیشتری از جوانان آمریکایی خواهیم خواست که به کشورهای خارجی بروند تا اعتماد و پیوند بین ملت‌های مان را تعمیق کنند.» سپس افزود که «با هم، ما به جای گذشته می‌توانیم راه آینده را برگزینیم.» عبارتی است زیبا، چرا که تصدیق کننده و گواه این نظر، یا دست‌کم این ترس است که تاریخ‌سازنده شخصیت‌هاست نه برعکس.

اوباما در سخنانش انقلاب کوبا را ضددموکراتیک و بی‌احترام به آزادی و حقوق بشر تصویر می‌کند. این دقیقاً همان ادعایی است که دولت‌های ایالات متحد آمریکا - تقریباً بدون استثنا - به کرات از آن برای توجیه جنایت‌های‌شان علیه کشورها استفاده کرده‌اند. محاصره اقتصادی در نفس خودش و به تنهایی نسل‌کشی محسوب می‌شود. من نمی‌خواهم شاهد آن باشم که این ارزش‌های شرم‌آور را در مغز کودکان آمریکایی فرو کنند. اگر به خاطر مداخله‌های نظامی، متمم پلات (Platt Amendment)

درست نمی‌دانم که پس از شنیدن سخن‌رانی باراک اوباما در روز ۲۳ مه (۳ خرداد) در «بنیاد ملی آمریکایی‌های کوبایی‌الاصل»، بنیادی که توسط رونالد ریگان ایجاد شد، ساکت بنشینم. من همان‌گونه که به سخنان مک کین و بوش گوش داده‌ام، سخنان اوباما را هم گوش کردم. من رنجشی از او ندارم چرا که او مسئول جنایت‌هایی نیست که علیه کوبا و بشریت صورت گرفته است. اگر می‌خواستیم از او دفاع کنیم، کمک بزرگی به حریفان او می‌شد. بنابراین، جای تأملی در انتقاد از او و بیان صادقانه دیدگاه‌های خودم درباره سخنان او نمی‌بینم. او گفت: «در تمام عمرم، کوبا شاهد بی‌عدالتی و سرکوب بوده است. هرگز، در عمر من، مردم کوبا روی آزادی را ندیده‌اند. هرگز، در عمر دو نسل از کوبایی‌ها، مردم کوبا دموکراسی را نشناخته‌اند.» او افزود: «وقت آن رسیده است که پول آمریکایی‌های کوبایی‌الاصل از وابستگی و اتکای خانواده‌های‌شان به رژیم کاسترو بکاهد. من تحریم اقتصادی را ادامه خواهیم داد.» سخنان او را می‌توان این‌طور جمع‌بندی کرد: گرسنگی برای ملت، ارسال پول به صورت دهش خیریه و سفر به کوبا با هدف تبلیغ مصرف‌گرایی و زندگی تأمین‌ناشدنی ناشی از آن.

او برای مسئله بی‌نهایت جدی بحران غذایی چه برنامه‌ای دارد؟ غلات دنیا را باید میان انسان‌ها، حیوان‌های اهلی، و ماهی‌ها تقسیم کرد که شمار آنها هر سال کمتر و کمتر می‌شود و تعداد آنها در آب‌هایی که مورد بهره‌برداری بی‌رویه کشتی‌های ماهی‌گیری بزرگی قرار دارند که هیچ سازمان بین‌المللی جلودار آنها نیست، کمیاب‌تر می‌شوند.

تولید گوشت از نفت و گاز شاهکار بزرگی خواهد بود. حتی اوباما هم توانایی‌های فناوری را در مبارزه علیه تغییرات آب و هوا دست بالا می‌گیرد، اگرچه او در مورد خطرها و کم بودن فرصت، آگاه‌تر از بوش است. او می‌توانست از «آل‌گور» مصلحت‌جویی کند که به پیشرفت پرشتاب گرم شدن کره زمین واقف است. رقیب سیاسی نزدیک او، «بیل کلینتون»، که کارشناس و خبره قوانین برون‌مرزی مثل قانون هلمز-برتون و توریچلی است، می‌تواند او را در مورد مسئله ای مثل محاصره اقتصادی - که قول داد آن را لغو کند ولی هرگز نکرد - راهنمایی کند.

این مرد، که بی‌تردید از نقطه نظر اجتماعی و انسانی مترقی‌ترین نامزد ریاست جمهوری آمریکاست، در سخن‌رانی‌اش در میامی چه گفت؟ او گفت: «۲۰۰ سال است که آمریکا به روشنی نشان داده است که ما در برابر مداخله خارجی در نیم‌کره خودمان خاموش نخواهیم ماند. اما هر روز، در سراسر قاره آمریکا، مبارزه‌ای متفاوت در جریان است - نه علیه ارتش‌های خارجی، بلکه علیه تهدید کشنده گرسنگی و تشنگی، بیماری و ناامیدی... این آینده‌ای نیست که ما مجبور به پذیرش آن باشیم - نه برای آن کودک در پورت‌دوپرنس و نه برای خانواده ساکن کوهپایه‌های پرو. ما می‌توانیم بهتر از این زندگی کنیم. ما باید بهتر از این زندگی کنیم. ما نمی‌توانیم رنجی را که مردم در کشورهای جنوبی ما می‌کشند نادیده بگیریم، و نمی‌توانیم شاهد جهانی شدن شکم‌های خالی باشیم.» توصیفی

ادامه در صفحه ۷

کمک مالی رسیده

فرامرز ۲۰۰ دلار
 آرش چمنی ۵۰۰ دلار
 به یاد شهدای نظامی حزب توده ایران ۱۰۰۰ یورو
 تقدیم به مبارزان توده‌ای داخل کشور ۲۰۰۰ یورو

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس‌های پستی:
 2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
 http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»
 E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 792
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Saturday 7th June 2008

شماره فاکس و تلفن
 پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
 ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.
 شماره حساب 790020580
 کد بانک 10050000
 بانک Berliner Sparkasse